

بررسی چگونگی اثرگذاری تحریم‌های صنعت نفت و گاز بر متغیرهای کلان اقتصادی کشور با پافشاری بر مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت

تاریخ دریافت: 1397/4/8

تاریخ پذیرش: 1397/7/28

احسان ولدان زرقانی*

چکیده

تحریم اقتصادی ابزاری برای دست‌یابی به اهداف سیاست خارجی می‌باشد و جمهوری اسلامی ایران از آغاز تاکنون مورد تحریم‌های گوناگون تجاری و مالی از سوی کشورهای غربی بوده است. طی سال‌های اخیر شاهد شدت یافتن تحریم‌های اعمال‌شده علیه کشور به‌ویژه در حوزه انرژی هستیم. کشورهای تحریم‌کننده ایران در جهت نشانه‌روی نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد کشور، صنعت نفت و گاز را به‌عنوان مهم‌ترین منبع پدیدآمدن درآمد ملی هدف گرفته‌اند. با توجه به ساختار وابسته اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی پیامدهای ناشی از تحریم‌های این حوزه که خود شامل سه بخش تحریم صادرات نفت، تحریم در صنایع بالادستی صنعت نفت و گاز و تحریم در صنایع پایین‌دستی این صنعت است، تشدید می‌شود. تحریم‌های حوزه انرژی پیامدهایی هم‌چون کاهش شدید درآمدهای ارزی، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش ورود کالاها و تجهیزات مورد نیاز در پی دارد و در این جهت حوزه‌های اقتصاد کلان مانند رشد، تورم و بیکاری تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. در عین حال باید توجه داشت که مشکلات پدیدآمده از سوی تحریم‌های انرژی به استفاده نامناسب ما از منابع هیدروکربوری و چگونگی هزینه‌کرد منابع حاصل از آن برمی‌گردد. در پژوهش پیش‌رو در ابتدا با استفاده از مباحث نظری چگونگی اثرگذاری تحریم‌های نفت و گاز بر متغیرهای کلان اقتصادی کشور را بررسی کرده‌ایم. با توجه به تحلیل کیفی صورت گرفته، کشور ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه و یک صادرکننده نفت خام تحت تأثیر شوک‌های درآمد ارزی حاصل از نفت قرار می‌گیرد. ما دریافتیم که شوک‌های ارزی حاصل از درآمدهای نفتی پاشنه آشیل اقتصاد ایران شمرده می‌شود.

واژگان کلیدی: تحریم‌های نفت و گاز، رشد اقتصادی، تورم، اقتصاد مقاومتی.

طبقه‌بندی JEL: A2-Z18

*. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع). Email: valadan.12@gmail.com

مقدمه

تحریم اقتصادی ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی است و جمهوری اسلامی ایران از آغاز تاکنون مورد تحریم‌های گوناگون تجاری و مالی از سوی کشورهای غربی بوده است. در حقیقت می‌توان گفت که تحریم‌ها بعد از پایان جنگ سرد بیشتر از سوی کشورها به‌کار گرفته شدند (ون برجئیک، 2011م). بین تحریم‌های تجاری، دیپلماتیک و مالی تمایز وجود دارد. تحریم‌های دیپلماتیک به‌طور گسترده‌ای از سوی سازمان ملل و اتحادیه اروپا استفاده شده‌اند (کورت رایت و لوپز، 2002م). تحریم جزئی از دیپلماسی بین‌المللی حاکم بر جهان کنونی است که از سوی کشورهای تحریم‌کننده به‌عنوان ابزاری غیرنظامی برای اجبار دولت‌های کشورهای هدف جهت انجام واکنش مورد نظر اعمال می‌شود. منظور از تحریم اقتصادی کاهش یا متوقف‌ساختن یا تهدید به توقف روابط اقتصادی و تجاری و مالی متعارف با کشور هدف از سوی کشور تحریم‌کننده است (ایلر، 2007م، ص 4). نهاد تحریم‌کننده ممکن است دولت یک یا چند کشور مانند آمریکا یا یک سازمان بین‌المللی مانند سازمان ملل باشد. کشور هدف کشوری است که به‌طور مستقیم مورد اعمال سیاست‌های تحریم واقع شده است. منظور از اهداف سیاست خارجی، تغییر در رفتارهای سیاسی کشور هدف است که کشور تحریم‌کننده به‌طور صریح یا ضمنی در پی آن می‌باشد (هافباور و همکاران، 2007، ص 44).

طی سال‌های اخیر شاهد شدت یافتن تحریم‌های اعمال‌شده علیه کشور به‌ویژه در حوزه انرژی هستیم. کشورهای تحریم‌کننده ایران در جهت نشانه‌روی نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد کشور، صنعت نفت و گاز را به‌عنوان مهم‌ترین منبع پدیدساختن درآمد ملی مورد هدف خود قرار داده‌اند. با توجه به ساختار وابسته اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی پیامدهای ناشی از تحریم‌های این حوزه که خود شامل سه بخش تحریم صادرات نفت، تحریم در صنایع بالادستی صنعت نفت و گاز و تحریم در صنایع پایین‌دستی این صنعت است، تشدید می‌شود. هر چند تحریم‌های تجاری و مالی از لحاظ نظری اثرهای مشخصی بر اقتصاد کشور هدف دارند اما برون‌داد نهایی تحریم‌های اقتصادی بسته به مؤلفه‌های ویژه کشور از جمله ساختار اقتصادی آن کشور، استراتژی‌های تدافعی کوتاه‌مدت دولت در برابر تحریم‌ها، زمینه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک و سیاسی می‌تواند متفاوت باشد. عامل اساسی آسیب‌پذیری اقتصاد کشور ما چگونگی هزینه‌کرد درآمدهای حاصل از نفت است. به‌علت وابستگی بسیار اقتصاد

کشور به درآمدهای نفتی اثرهای کوتاه‌مدت تحریم‌های شدید نفتی، شوک‌های شدیدی به متغیرهایی مانند رشد تولید ناخالص داخلی و شاخص قیمتی مصرف‌کننده وارد می‌کند. وابستگی حجم قابل‌توجهی از بودجه و تولید ناخالص داخلی کشور به درآمدهای نفتی، دشمن را قادر می‌سازد تا در تهاجم اقتصادی بتواند به وخیم‌کردن شرایط اقتصادی و معیشتی مردم با افزایش شاخص قیمتی مصرف‌کننده و بیکاری دامن بزند. فروش منابع طبیعی نفت و گاز به صورت خام و فرآوری نشده و واردات کالاهای نهایی، به کاهش توان تولیدی کشور، وابستگی درآمدهای ملی به صادرات این منابع، وابستگی بودجه دولت به درآمدهای حاصل از فروش آن‌ها و سانجام وابستگی مصرف به کالاهای نهایی وارداتی می‌انجامد.

تحریم‌های حوزه انرژی پیامدهایی هم‌چون کاهش شدید درآمدهای ارزی، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش ورود کالاها و تجهیزات مورد نیاز در پی دارد و در این جهت حوزه‌های اقتصاد کلان مانند رشد، تورم و بیکاری تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. آنچه اهمیت دارد تحلیل راه اثرگذاری تحریم‌های حوزه انرژی و کانال‌های انتقال‌دهنده شوک تحریم‌ها به عملکرد اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصاد کشور است. تمرکز اصلی پژوهش پیش‌رو بر کانال نرخ ارز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کانال‌های انتقال شوک تحریم‌ها بر اقتصاد کشور است.

تعریف تحریم‌های اقتصادی

یکی از معمول‌ترین تعریف‌های این واژه این است که تحریم اقتصادی اقدام‌های اجباری علیه یک یا چند کشور برای پدیدساختن تغییر در سیاست‌هاست یا دست‌کم بازگوکننده ایده‌های یک کشور در برابر سیاست دیگر کشورهاست (کارتز، 1992م، ص 11). هافباور و اسکات باور دارند که تحریم اقتصادی عبارت است از متوقف کردن آگاهانه و با خواست دولت یا تهدید به توقف روابط تجاری و مالی متعارف با کشور هدف (تحریم‌شونده) از سوی دولت تحریم‌کننده. این تعریف از ماده 41 منشور سازمان ملل متحد استفاده می‌کند که مبنای حقوقی تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل نیز است (ولی‌زاده، 1390، ص 351).

تحریم اقتصادی عبارت است از توافقی بین‌المللی برای محدودسازی تجارت با هر کشوری که به باور تحریم‌کنندگان، رفتاری نامقبول دارند. در این تعریف تحریم‌های اقتصادی در حقیقت ابزاری سیاسی برای تحت فشار گذاشتن کشور تحریم‌شونده به تغییر رفتار است.

این تحریم‌ها می‌تواند شامل هر اقدامی مانند توقف خرید و فروش با کشور تحریم‌شونده و ممانعت از نقل و انتقال کالا از راه آن کشور باشد. بنا به تعریف دیگر، تحریم اقتصادی عبارت است از هر گونه مجازات مالی و تجاری که شامل اعمال فشارهای اقتصادی و جریمه برای کشور تحریم‌شونده و ضبط دارایی‌های آن شود. تحریم اقتصادی به این شکل تعریف شده است که نوعی مجازات یک کشور درباره قطع واردات و صادرات و اعمال ممانعت‌های تجاری و قطع جریان‌های مالی بین‌المللی باشد. در حقیقت تحریم‌کننده می‌کوشد تا با فشار ناشی از تحریم بر رفتار کشور مورد هدف تحریم اثر بگذارد. این فشارها می‌تواند از راه محدود کردن صادرات، محدود کردن واردات و ضبط دارایی‌های کشور باشد (نهادنیان و لطفی، 1392، ص 43). طبق تعریف دیگری، تحریم اقتصادی محدودیتی است که تحریم‌کننده به کشوری اعمال می‌کند تا ضرر اقتصادی را به تحریم‌شونده وارد کند. بنا به تعریف اولسون تحریم‌های اقتصادی اقدام‌هایی هستند که به وسیله یک یا چند بازیگر بین‌المللی بر علیه یک یا چند کشور اعمال می‌شود و یک یا همه این اهداف را دارند. یا قصد تنبیه تحریم‌شونده را از طریق محروم کردنش از منافع اقتصادی دارند یا تحریم‌شونده را مجبور به پیروی از هنجارهای مورد نظر خود می‌کنند (بالدوین، 1985م، ص 52).

مورگان و همکاران (2009م) یک تعریف صریح از تحریم‌های اقتصادی ارائه کرده‌اند که آن را در پژوهش پیش‌رو استفاده می‌کنیم: «اعمالی که یک یا چند کشور برای محدود کردن یا قطع کردن روابط اقتصادی با کشور هدف انجام می‌دهند با این هدف که کشور بیان‌شده سیاست‌های خود را تغییر دهد» (مورگان و همکاران، 2009م، ص 94).

اهداف تحریم

به نظر باربر (1979) تحریم‌های اقتصادی می‌تواند به دلایل متفاوتی صورت پذیرد. از مهم‌ترین دلایل آن می‌توان به رفتار و عمل دولت‌ها در برابر کشورهای تحریم‌شونده، انتظارات آتی دولت‌های تحریم‌کننده و دیدگاه‌های بین‌المللی اشاره کرد که به ساختار کلی بین‌الملل یا بخشی از ساختار بین‌المللی مرتبط است. در یک روایت تحریم به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی کشورها به قصد تنبیه و بازدارندگی کشور هدف تعریف می‌شود. هدف تحریم، تغییر سیاست خاص یا مجموعه‌ای از سیاست‌های کشور هدف است (پیکسن،

2009م/ کاپر، 2010م). در بیانی دیگر هدف تحریم‌ها کاهش رفاه و امنیت در جامعه تحریم‌شونده و در پی آن براندازی نظام حاکم در این کشور است. به‌طور کلی می‌توان گفت که تحریم‌های اقتصادی به لحاظ هدف دو نوع هستند: الف) تحریم اقتصادی که به منظور بی‌ثبات کردن رژیم سیاسی کشور هدف است که در حقیقت برگرفته از تضاد در منافع استراتژیک کشور تحریم‌کننده و کشور هدف است. این نوع تحریم برای تغییر رژیم کشور هدف است. ب) تحریم اقتصادی برای تغییر رفتار سیاسی یا اقتصادی کشور هدف صورت می‌گیرد (یاوری، 1389، ص 10). تحریم اقتصادی ابزاری برای مجازات تنبیه و ترغیب کشورها و افراد به تمکین در انجام رفتاری خاص است. درباره جمهوری اسلامی ایران امریکا تمایل دارد تا با افزایش سطح تحریم‌ها میزان نارضایتی مردم را به منظور به چالش کشیدن کشور افزایش دهد (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، 1387، ص 11).

طبقه‌بندی تحریم‌ها

طبقه‌بندی بر حسب تعداد تحریم‌کنندگان: در یک طبقه‌بندی می‌توان تحریم‌های اقتصادی را از لحاظ تعداد کشورهای تحریم‌کننده بررسی کرد. بر این اساس تحریم‌های اقتصادی به دو قسمت تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه تقسیم می‌شوند (کاروسو، 2003م). در یک طبقه‌بندی دیگر تحریم‌ها به سه نوع: یک‌جانبه، چندجانبه و جامع (فراگیر) طبقه‌بندی می‌شود. تحریم یک‌جانبه اغلب اوقات فقط به یک کشور محدود می‌شود. در این حالت، تحریم را فقط یک کشور در برابر کشور دیگر انجام می‌دهد. در حالت چندجانبه، تحریم‌ها به وسیله بیش از یک کشور صورت می‌پذیرد. در این صورت ممکن است دیگر کشورها، از کشور پیش‌رو در تحریم پیروی کنند و سرانجام تحریم جامع، تمام کشورها در آن درگیر خواهند شد (یاوری و محسنی، 1388، ص 13).
طبقه‌بندی بر حسب موضوع: داگسی (1980م) تحریم‌های اقتصادی را به چهار نوع تقسیم می‌کند:

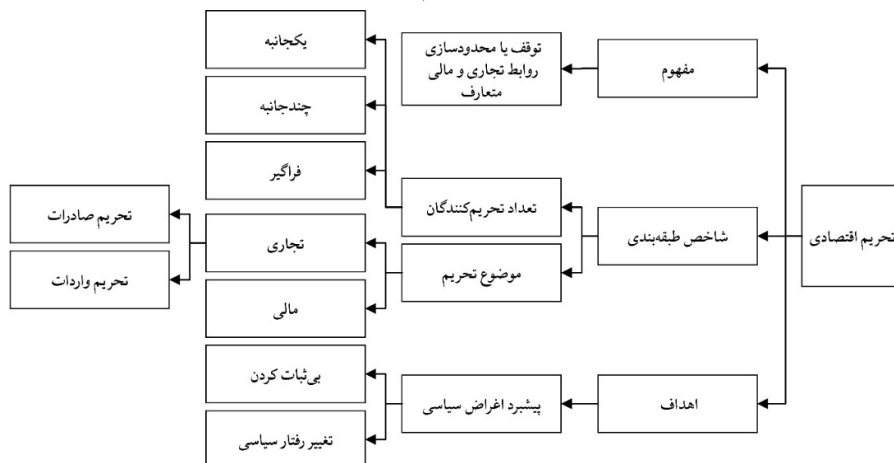
1. کنترل و محدودسازی تجاری؛
 2. معلق‌ساختن کمک‌ها و حمایت‌های تکنولوژیکی؛
 3. مصادره اموال و دارایی‌های کشورهای هدف تحریم؛
 4. ممنوعیت لیستی از شرکت‌های کشورهای هدف برای تجارت با کشور اعمال‌کننده.
- افزون بر این می‌توان تحریم‌های اقتصادی را براساس اهداف تحریم‌ها طبقه‌بندی کرد. به‌طور کلی تحریم‌ها براساس اهدافشان به دو نوع کلی تحریم‌های تجاری و تحریم‌های مالی

تقسیم می‌شوند. تحریم‌های تجاری بر صادرات و واردات کالای خاص کشور هدف اعمال می‌شود؛ اما تحریم‌های مالی بیشتر بر گردش مالی کشور پیش‌گفته تمرکز می‌کند. تحریم بانک‌ها یا بانک مرکزی از نوع تحریم‌های مالی است. با این حال اغلب تحریم‌ها ترکیبی از تحریم‌های تجاری و مالی است (طغیانی و درخشان، 1393، ص 119).

تحریم‌های تجاری خود به دو دسته تحریم‌های صادرات و تحریم‌های واردات طبقه‌بندی می‌شوند: **تحریم واردات (Boycotts):** تحریم واردات که در آن واردات یک یا چند کالای کشور هدف از سوی کشور یا کشورهای تحریم‌کننده محدود و ممنوع می‌شود و از این راه تقاضا برای تولیدهای کشور هدف محدود می‌شود. چنین اقدام‌های در پی محدودساختن توان کشور هدف برای به‌دست آوردن درآمدهای ارزی و سرانجام قابلیت آن‌ها برای تأمین کالاهای مورد نیاز، اعمال می‌شود. یکی از نقاط ضعف این نوع از تحریم‌ها این است که کشور هدف می‌تواند با یافتن بازارهایی جایگزین برای محصولات خود یا فروش آن‌ها به کشور ثالث از سد این تحریم‌ها عبور کند.

تحریم صادرات (Embargo): که در آن صادرات کالاهایی خاص به کشور هدف از سوی کشورهای تحریم‌کننده ممنوع و محدود می‌شود که از معمول‌ترین نوع تحریم‌ها شمرده می‌شود. تحریم مالی که در آن وام‌دهی و سرمایه‌گذاری در کشور هدف محدود می‌شود. این نوع تحریم‌ها می‌تواند به محدودساختن پرداخت‌های بین‌المللی کشور هدف و محدودکردن قدرت فرار و گریز از اثرهای تحریم اعمال‌شده بینجامد (کاروسو، 2003).

شکل یک: تحریم‌های اقتصادی

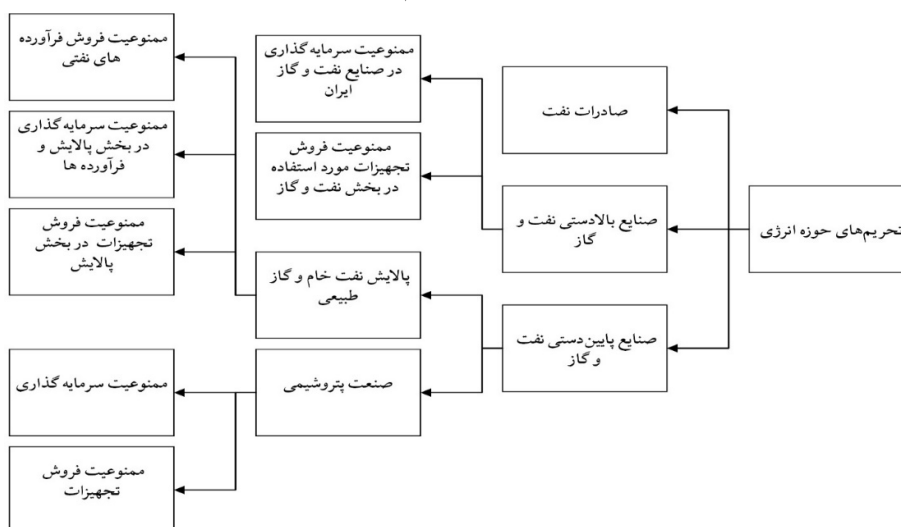


تحریم‌های صنعت نفت و گاز

چون صنعت نفت پایه‌ای‌ترین بخش اقتصاد ایران است، همیشه از موضوعات مورد نظر در تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان بوده است. از این حیث در امریکا و تا حد فراوانی در غرب این اجماع شکل گرفته که نفت پاشنه آشیل اقتصاد ایران شمرده می‌شود. با این همه به‌رغم کوشش‌های امریکا در این باره، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل تا دسامبر سال 2006م نیز صنعت نفت ایران را هدف تحریم خود قرار نداده بود. یکی از دلایل مهم این امر نگرانی بازار نفت از قیمت بالا بود. نکته مورد پافشاری طرفداران تحریم این است که پول نفت باعث رشد شش درصدی اقتصاد در دولت نهم شده است. این نظریه باعث شده تا غرب بیش‌ازپیش بر محدودسازی صدور نفت ایران نظر داشته باشد، آنان این روش را در رسیدن به هدف سریع‌تر می‌دانند.

تحریم‌های انرژی که علیه ایران به‌کار گرفته شده در پی تنزل‌دادن توانایی ایران برای تولید، فروش، حمل و نقل و کسب سود از نفت و گاز به‌عنوان مهم‌ترین منابع طبیعی کشور هستند. ایران حدود ده درصد ذخایر نفت خام دنیا را در اختیار دارد. تحریم‌های حوزه نفت و انرژی از سوی ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا در طول سال‌های اخیر گسترده‌تر و شدیدتر شده است. نقطه اصابت تحریم‌های حوزه انرژی و نفت را می‌توان مربوط به سه بخش خرید نفت، صنایع بالادستی و صنایع پایین‌دستی نفت دانست. به‌طور خلاصه می‌توان تحریم‌های اعمال‌شده در حوزه نفت و انرژی را در نمودار زیر آورد:

شکل 2: طبقه‌بندی تحریم‌های حوزه انرژی



تحریم صادرات نفت

تحریم‌های امریکا و اروپا باعث شدند که میزان صادرات نفت ایران از 2/5 میلیون بشکه در روز در سال 2011م به 1/1 میلیون بشکه در روز کاهش یافت (به جدول یک مراجعه کنید). شرکت‌های امریکایی از خرید یا تسهیل مبادلات نفت ایران محروم شدند (از سال 1995م) و اتحادیه اروپا ممنوعیت خرید نفت را از سال 2012م اعمال کرد. اتحادیه اروپا یکی از خریداران اصلی نفت ایران بوده است؛ به طوری که در طی سال‌های اخیر بیش از یک پنجم صادرات نفت ایران مربوط به اتحادیه اروپا بوده است. به سبب تحریم جدیدی که در ژانویه 2012م (دی ماه 1391) معرفی شد؛ خرید، انتقال و واردات نفت از ایران ممنوع اعلام شد. گفتنی است که این تحریم شامل قراردادهای جاری اتحادیه اروپا نمی‌شد؛ بنابراین تا اول ژوئن 2012م (تیر 1391) واردات نفت به اروپا طبق قراردادهای موجود ادامه یافت اما از این تاریخ به بعد با اعمال کامل تحریم‌ها واردات نفت اتحادیه اروپا از ایران به صفر رسید. ژاپن و کره جنوبی نیز در پی فشارهای امریکا خرید نفت از ایران را کاهش دادند. همان‌طور که در جدول نیز قابل مشاهده است در پی کاهش خرید نفت ایران در این برهه، درآمدهای نفتی ایران به صورت چشم‌گیری کاهش پیدا کرد.

هم‌اکنون امریکا به چین، هند، ژاپن، کره جنوبی، تایوان و ترکیه اجازه می‌دهد فقط میزان ثابتی از نفت ایران را بخرند (جدول یک). مهم‌ترین نتیجه این تحریم‌ها کاهش شدید درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت است.

جدول یک: صادرات نفت خام پیش و بعد از تحریم‌ها

درصد تغییرات	میانگین بعد از تحریم 2011م	میانگین پیش از تحریم 2011م	خریدار
-100%	ناچیز	600000	اتحادیه اروپا
-25%	410000	550000	چین
-40%	190000	325000	ژاپن
-40%	190000	320000	هند
-40%	130000	230000	کره جنوبی
-40%	120000	200000	ترکیه
-100%	0	80000	آفریقای جنوبی

مالزی	55000	0	-100%
سريلانكا	35000	ناچيز	-100%
تاوان	35000	10000	-70%
سنگاپور	20000	0	-100%
ديگر كشورها	55000	ناچيز	-100%
جمع	2505000	1057000	-60%

Source: Sanctions against Iran: A Guide to Targets, Terms, and Timetables, Belfer Center for Science and International Affairs, June 2015.

با توجه به اتکای بسیار اقتصاد ملی به نفت و درآمدهای ارزی حاصل از آن، هر گونه اختلال در جریان تجارت نفت می‌تواند نوسانات و عدم تعادل‌هایی به اقتصاد ایران تحمیل کند. کشورهای تحریم‌کننده ایران نیز با توجه به این ضعف، درآمدهای نفتی را یکی از بهترین اهداف تحریم‌ها تشخیص داده‌اند.

اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت و دولت‌های نفتی بیانگر شکل افراطی اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی است. این افراطی‌گری به‌ویژه در وابستگی بسیار بالای اقتصاد به یک منبع واحد به نام درآمد نفت بازتاب پیدا می‌کند. معمای فراوانی، پدیده‌ای است که نشان می‌دهد ثروت منابع طبیعی در مرحله نخست باعث رشد اقتصادی می‌شود؛ اما این فرایند در درازمدت کاهش می‌یابد. کشورهای نفتی معدودی پیدا می‌شوند که رشد اقتصادی آن‌ها بالاتر از میانگین کشورهای فاقد منابع طبیعی در اقتصاد جهانی است (کارل، 1390، ص 12).

ایالات متحده می‌داند که ساختار اقتصادی ایران براساس اقتصاد نفت پایه می‌چرخد و با ارز به‌دست‌آمده از فروش نفت، ارز مورد نیاز خود را به اقتصاد کشور تزریق می‌کند؛ از این‌رو کوشید تا با کمک اتحادیه اروپا برای تغییر رفتار ایران در برنامه هسته‌ای، منبع درآمد ایران را قطع کرده و شریان اقتصادی کشور را مختل کند و با تحریم نفتی در عمل ایران را از بخش اعظم درآمد خود محروم کرده و از ورود دلار به ایران جلوگیری کند (مصلی‌نژاد، 1394، ص 177). در حقیقت هدف عمده چنین تحریم‌های فلج‌کننده‌ای بیشتر متوجه بخش انرژی ایران است که رگ حیاتی و منبع کلیدی درآمد این کشور است. اروپا در حدود بیست درصد از درآمدهای نفتی ایران را تأمین می‌کرد (Sanctioning Iran: Implications and Consequences, 2012).

تحریم مربوط به حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز

حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز شامل بخش اکتشاف، استخراج نفت خام و گاز طبیعی است. این تحریم‌ها برای این هستند که مانع از حفظ توان تولیدی ایران در حوزه نفت و توسعه صنعت گاز ایران شوند. دو پیامد تحریم‌های حوزه بالادستی برای صنعت نفت و گاز ایران از این قرار است: الف) ممانعت از سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی نفتی در صنایع بالادستی صنعت نفت و گاز می‌باشد. براساس این تحریم‌ها هر گونه سرمایه‌گذاری بیش از بیست میلیون دلار به منظور اکتشاف یا استخراج از صنایع نفت ایران ممنوع اعلام شد. نتیجه این تحریم قطع همکاری بسیاری از شرکت‌های نفتی بین‌المللی بود که به سبب آن بسیاری از پروژه‌های سرمایه‌گذاری در میدین نفتی ایران متوقف شد و بحث تأمین مالی پروژه‌های نفتی و سرمایه‌گذاری خارجی مطرح شود. در جدول زیر فهرست شرکت‌های نفتی که به علت اعمال تحریم‌ها مجبور به ترک ایران شدند آمده است:

جدول دو: شرکت‌های نفتی خارج شده از ایران پس از تحریم‌ها

نام شرکت	کشور مربوطه
1. Baker Hu hes	ایالات متحده
2. Dragon Oil	امارات متحده عربی
3. Glencore	سوئیس
4. Halliburton	ایالات متحده
5. Independent Petroleum Group	کویت
6. Lind Group	آلمان
7. OMV	اتریش
8. Q8	انگلستان
9. Royal Dutch Shell	فرانسه
10. Smith International	ایالات متحده
11. Total	فرانسه
12. ThyssenKrupp	آلمان
13. Tupras	ترکیه
14- BP	انگلستان
15. ENI	ایتالیا

16. Helm AG	آلمان
17. Inpex	ژاپن
18. GS Engineering & Constuction	کره جنوبی
19. Lukoil	روسیه
20. Petronas	مالزی
21. Reliance	هند
22. Schlumberger	ایالات متحده
23. Statoil	نروژ
24. Trafigura	سوئیس
25. Transammonia	ایالات متحده
26. Witol	سوئیس

Source: PAAIA Public Policy Center, Iran Sanctions Report, August, 2012, p.19.

اثر اولیه تحریم‌های امریکا کاهش سرمایه‌گذاری برای تأمین مالی پروژه‌های توسعه بخش نفت در ایران است؛ زیرا بخش نفت سرمایه‌بری فراوانی دارد و همواره به مقادیر فراوانی سرمایه برای توسعه نیازمند است. کمبود سرمایه داخلی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی را به تعویق می‌اندازد. اغلب میدان‌های نفتی ایران عمر بالایی دارند و برخی از تجهیزات اصلی آن در طول جنگ ایران - عراق به شدت آسیب دیده‌اند. گسترش میدان‌های نفتی مستلزم حجم بالای سرمایه‌گذاری است که ایران چنین سرمایه‌ای ندارد (یاوری و محسنی، 1388، ص 37). پیامد دیگر این دسته از تحریم‌ها، ممانعت از فروش کالاها و تجهیزات و فناوری مربوط به صنایع بالادستی حوزه نفت و گاز است.

تحریم مربوط به حوزه پایین دستی صنعت نفت و گاز

حوزه پایین دستی نفت و گاز مربوط به عملیات بهره‌برداری از نفت و گاز است که خود شامل پالایش نفت خام، مایع‌سازی گاز طبیعی و پتروشیمی می‌باشد. تحریم‌های اعمال شده در بخش پایین دستی را می‌توان در چهار گروه خلاصه کرد:

1. ممانعت سرمایه‌گذاری در توسعه پالایشگاه‌های نفتی و مخازن ذخیره‌سازی نفت خام فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی مایع‌شده (LNG) و همچنین ممنوعیت سرمایه‌گذاری در بخش پتروشیمی؛

2. تحریم برخی از کالاها و تجهیزات و فناوری‌های مربوط به پالایش نفت خام و مایع‌سازی گاز طبیعی است؛
3. ممنوعیت فروش فرآورده‌های نفتی به ایران؛
4. ممنوعیت فروش برخی از تجهیزات مربوط به صنعت پتروشیمی.

با توجه به فهرست کالاها و تجهیزات تحریم‌شده در این حوزه، می‌توان دریافت که هدف از این تحریم‌ها، ممانعت از توسعه صنایع پالایش نفت خام است. در سال‌های اخیر مصرف بنزین و دیگر فرآورده‌های نفت و گاز افزایش قابل توجهی داشته؛ در حالی که توان و ظرفیت پالایشی کشور با سرعت کمتری رشد کرده است و این موضوع سبب شده که میزان وابستگی کشور به واردات فرآورده‌های نفتی افزایش یابد (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، 1394، ص 24). یکی از تحریم‌های حوزه پایین‌دستی صنعت نفت و گاز مربوط به بخش پتروشیمی است، ممنوعیت فروش کالاها و تجهیزات مورد استفاده در صنعت پتروشیمی می‌باشد. هدف این تحریم‌ها محدودکردن توان تولیدی کشور در فرآورده‌های پتروشیمی است که در نتیجه آن صادرات محصولات پتروشیمی که بخش عمده‌ای از صادرات غیرنفتی ایران را تشکیل می‌دهد، کاهش می‌یابد.

افزون بر سه دسته پیش‌گفته که به‌طور مستقیم مرتبط با صنایع نفت و گاز ایران است، انواع دیگری از تحریم‌ها وجود دارند که غیرمستقیم به صنایع نفت و گاز ارتباط پیدا می‌کنند. محدودکردن دسترسی به درآمدهای نفتی و محدودیت امکان حمل‌ونقل نفت و دیگر کالاها از جمله این تحریم‌هاست که در ادامه به توضیح آن‌ها پرداخته‌ایم:

محدودکردن دسترسی به درآمدهای نفتی: درآمدهای حاصل از فروش نفت ایران به شش کشوری که بیان شد براساس قانون تحریم‌های امریکا حبس شد. ایران فقط می‌توانست از آن درآمدها برای خرید کالاهای بشردوستانه استفاده کند یا این‌که آن درآمدها را به خرید کالا از کشور خریدار نفت اختصاص می‌داد. ایران بیش از صد میلیارد دلار از این درآمدها را که فقط با اجرای شرایطی می‌توان از آن خود کند رها کرد.

محدودیت امکان حمل‌ونقل نفت و دیگر کالاها: براساس قانون تحریم‌های امریکا و اتحادیه اروپا، فراهم کردن خدمات بیمه به‌وسیله شرکت‌ها به شرکت‌ها و تانکرهای نفتی ایرانی ممنوع شد و ایالات متحده برای کشتی‌های ایرانی امتیاز معین می‌کرد. هم‌چنین تحریم‌ها مانع از

ارایه خدمات به کشتی‌های ایرانی و صنایع کشتی‌سازی ایرانی می‌شد. این اقدام‌ها بخش کشتیرانی ایران را وارد لیست سیاه کرد.

محدود کردن سرمایه‌گذاری در تولید نفت ایران: تحریم‌های امریکا فروش تجهیزاتی که در صنایع نفت و گاز به کار گرفته می‌شود را برای شرکت‌ها ممنوع کرد. هم‌چنین براساس تحریم‌ها سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی بیش از مقدار معینی در بخش نفت و گاز ایران ممنوع شد؛ در نتیجه توانایی ایران برای نوسازی بخش نفت و گاز محدود شد. افزون بر این تحریم‌های اتحادیه اروپا تهیه فناوری و تجهیزات مورد نیاز بخش نفت و گاز را ممنوع می‌کرد. ژاپن و کره جنوبی نیز اقدام‌های مشابهی انجام دادند. سرانجام تمام تحریم‌های مرتبط با صنعت نفت و گاز ایران به همراه موضوع آن‌ها در جدول زیر آمده است:

جدول سه: تحریم‌های مرتبط با صنعت نفت و گاز ایران

ردیف	تحریم‌کننده	نام تحریم	تاریخ تحریم	موضوع تحریم
1	امریکا	دستور اجرایی کارتر بعد از تسخیر لانه جاسوسی	12 نوامبر 1980م	ممنوعیت واردات نفت از ایران به امریکا (این تحریم در 19 ژانویه 1981م پس از آزاد شدن گروگان‌ها لغو شد)
2	امریکا	تصویب طرح گیلمن در مجلس نمایندگان	18 مارس 1996م	ممنوعیت صادرات تمام فناوری‌ها، کالاها و خدمات مرتبط به نفت و گاز طبیعی به وسیله شرکت‌های خارجی در ایران برای توسعه بخش‌های تولید، پالایش، تعمیرات و راه‌اندازی تأسیسات نفتی ایران
3	امریکا	CISADA	1 جولای 2010م	ممنوعیت صادرات محصولات پالایشگاهی (مانند بنزین) به ایران
4	اتحادیه اروپا	Council Decision 2010	26 جولای 2010م	ممنوعیت فروش، تأمین یا انتقال تجهیزات و فناوری‌های کلیدی برای بخش‌های اکتشاف، تولید، پالایش گاز طبیعی از صنعت نفت و گاز طبیعی مرتبط با ایران، هم‌چنین ممنوعیت آموزش و کمک فنی و تأمین مالی و کمک مالی برای موارد پیش‌گفته؛ ممنوعیت اعطای هر گونه وام مالی یا اعتباری به شرکت‌های ایران که در بخش‌های گوناگون صنایع نفت و گاز ایران فعال هستند.

ممنوعیت هرگونه مشارکت جدید یا توسعه شراکت قبلی در شرکت‌های درگیر در صنایع نفت و گاز ایران. ممنوعیت فراهم آوردن هر مشارکت اقتصادی در فعالیتهای مرتبط با صنایع نفت و گاز ایران				
ممنوعیت فروش تجهیزات یا خدمات به ایران (به ارزش بیش از یک میلیون دلار در یک مرتبه یا پنج میلیون دلار در یک سال) که ایران بتواند بخش نفت و گاز خود را نگاهداری کند یا ارتقا دهد شامل دریل، پمپ، سکوی نفتی و...؛ ممنوعیت فروش کالا و خدمات به ایران (به ارزش بیش از 250 هزار دلار در یک مرتبه یا یک میلیون دلار در یک سال) که ایران بتواند در تولیدات پتروشیمی از آن استفاده کند.	20 نوامبر 2011م	دستور اجرایی 13590	امریکا	5
ممنوعیت واردات، خرید یا انتقال نفت خام ایران، فرآورده نفتی و محصولات پتروشیمی ایران و تأمین مالی مستقیم یا غیرمستقیم، بیمه و بیمه اتکایی مرتبط با موارد بیان شده (عملیاتی شدن از یک جولای)؛ گسترش ممنوعیتهای مصوبه 26 جولای 2010م به حوزه پتروشیمی در حوزه‌های زیر: فروش، تأمین یا انتقال تجهیزات و فناوری‌های کلیدی؛ آموزش و کمک فنی و تأمین مالی و کمک مالی؛ اعطای هرگونه وام مالی یا اعتباری هرگونه مشارکت جدید یا توسعه شراکت پیشین؛ پدیدساختن هر مشارکت اقتصادی در فعالیتهای مرتبط با صنعت پتروشیمی.	23 ژانویه 2012م	Council Decision 2012	اتحادیه اروپا	6
ممنوعیت خرید نفت یا دیگر محصولات نفتی از ایران؛ ممنوعیت مبادله مالی یا حمایت مالی از شرکت ملی نفت ایران یا شرکت بین‌المللی نفتیان؛ ممنوعیت خرید محصولات پتروشیمی از ایران.	30 جولای 2012م	دستور اجرایی 13622	امریکا	7
ممنوعیت همکاری مشترک (Joint Venture) با ایران در حوزه توسعه منابع نفتی در خارج از ایران و شرکت	10 اگوست 2012م	قانون کاهش تهدید ایران و	امریکا	8

<p>در یک سرمایه‌گذاری مشترک با ایران مرتبط با استخراج، تولید یا انتقال اورانیوم؛</p> <p>ممنوعیت حمایت از نگهداری و توسعه منابع نفتی و محصولات پالایشگاهی در ایران شامل همکاری در ساخت، مدرنیزه‌کردن و تعمیر پالایشگاه‌ها و توسعه زیرساخت‌ها مانند تجهیزات بندری، خطوط ریلی و جاده‌ای؛</p> <p>ممنوعیت خرید محصولات پتروشیمی از ایران و کمک به توسعه صنعت پتروشیمی ایران با فروش، اجاره یا تأمین کردن زیرساخت‌های مرتبط؛</p> <p>ممنوعیت حمل و نقل نفت خام از ایران؛</p> <p>ممنوعیت ارائه خدمات اعتبارسنجی، بیمه و بیمه اتکایی برای شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی نفت‌کش ایران.</p>		حقوق بشر در سوریه		
<p>ممنوعیت واردات خرید یا نقل و انتقال گاز طبیعی ایران؛</p> <p>ممنوعیت هر گونه تأمین یا کمک مالی مستقیم و غیرمستقیم مرتبط با واردات، خرید یا نقل و انتقال گاز طبیعی ایران.</p>	15 اکتبر 2012م	Council Decision 2012	اتحادیه اروپا	9

Source: Iran Sanctions, US Department of State, 2016 (<https://www.state.gov>).

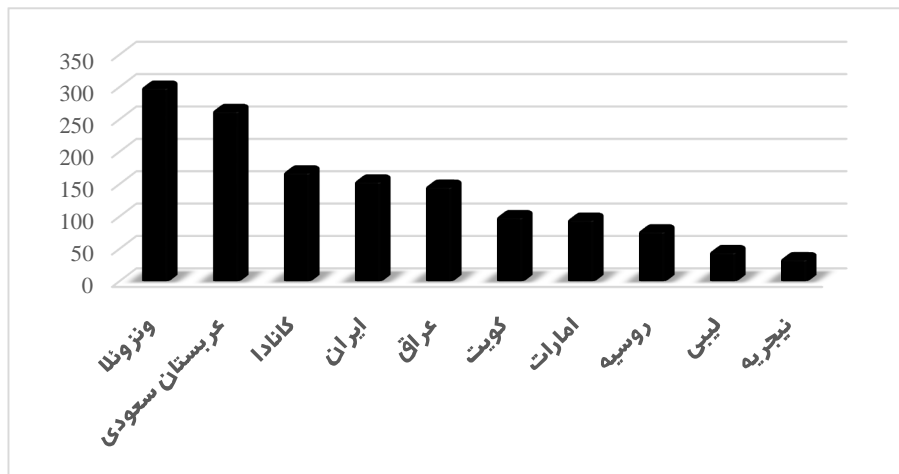
وابستگی ایران به دلارهای نفتی

اقتصاد ایران به‌طور چشم‌گیری به دلارهای نفتی وابسته است. حدود نود درصد درآمد ارزی ایران از راه صادرات نفت و گاز حاصل می‌شود. درآمدهای نفتی منبع اصلی تأمین مالی دولت و واردات محصولات در ایران شمرده می‌شوند؛ بنابراین این مهم است که اثرهای شوک صادرات نفت را بر متغیرهای کلان اقتصادی کشور بسنجیم. شوک صادرات نفت می‌تواند دلایل گوناگونی داشته باشد. یکی از دلایل این امر تحریم‌های نفتی علیه کشورمان است. از آنجا که حدود شصت درصد بودجه دولتی را درآمدهای نفتی تشکیل می‌دهد، بودجه به‌شدت با شوک‌های نفتی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

براساس ژورنال نفت و گاز (Oil & Gas Journal) در ژانویه 2018م ذخایر نفت اثبات‌شده ایران حدود 157 میلیارد بشکه تخمین زده شده است. این مقدار حدود ده درصد از ذخایر نفت جهان و حدود سیزده درصد از ذخایر نفت اوپک را دارد. بیش از هفتاد درصد ذخایر نفت خام در سواحل

و فقط سی درصد آن در دریا واقع شده است. افزون بر این کشور ما حدود نیم میلیارد بشکه ذخایر احتمالی و اثبات شده در خلیج فارس دارد اما تا به امروز فعالیت‌های بالادستی بسیار محدودی در این منطقه انجام شده است. هم‌چنین ایران ذخایر مشترکی با کشورهای عراق، قطر، کویت و عربستان سعودی دارد (U.S. Energy Information Administration, 2018).

نمودار یک: بزرگ‌ترین ذخایر نفتی اثبات شده در جهان (2018م)



Source: U.S. Energy Information Administration, 2018, Country Analysis Brief: Iran

تولید ناخالص داخلی کشور در سال 1393 حدود دو میلیون و سی و یک هزار میلیارد ریال است. در سال‌های اخیر حدود 60-50 درصد تولید ناخالص داخلی مربوط به بخش خدمات است؛ پس از بخش خدمات بخش صنعت بالاترین سهم را در ارزش افزوده کشور دارد. بخش صنعت حدود 25 درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. بخش نفت بعد از بخش صنعت در رتبه سوم به لحاظ سهم از تولید ناخالص داخلی قرار دارد. سهم بخش نفت از تولید ناخالص داخلی تا سال 90 حدود 17 درصد بوده است اما از سال 91 به بعد با توجه به تحریم‌های مربوط به صادرات نفت به حدود ده درصد کاهش یافته است؛ البته باید یادآوری کرد که ارزش افزوده بخش گاز در قسمت آب، برق و گاز که جزو بخش صنعت است لحاظ می‌شود؛ بنابراین در جدول ارزش افزوده نفت جدا ارائه شده است. جدول زیر تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده بخش‌های گوناگون اقتصاد را طی سال‌های 1388-1393 نشان می‌دهد.

جدول 4: تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده بخش های گوناگون اقتصاد در سال های 1393- 1388

بخش	۱۳۸۸		۱۳۸۹		۱۳۹۰		۱۳۹۱		۱۳۹۲		۱۳۹۳	
	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد
کشاورزی	۱۱۵۱۰۰۶	۵٫۹	۱۲۰۷۶۹٫۴	۵٫۸	۱۲۰۶۵۷٫۷	۵٫۶	۱۲۵۱۲۰٫۲	۶٫۲	۱۳۰۹۵۲	۶٫۶	۱۳۵۹۱۲٫۳	۶٫۷
نفت	۳۳۷۵۳۶٫۴	۱۷٫۴	۳۵۱۸۵۵٫۱	۱۷	۳۴۸۳۴۷٫۲	۱۶٫۱	۲۱۸۲۰۲٫۹	۱۰٫۸	۱۹۸۷۴۳	۱۰٫۱	۲۰۸۱۹۰	۱۰٫۲
صنایع و معادن	۴۹۵۶۸۲٫۲	۲۵٫۵	۵۳۴۷۸۱٫۵	۲۵٫۸	۵۶۱۵۵۳٫۶	۲۶	۵۲۵۵۹۰٫۸	۲۶٫۱	۵۱۰۱۳۲	۲۵٫۹	۵۳۵۵۲۴٫۲	۲۶٫۴
خدمات	۱۰۶۳۸۳۱	۵۴٫۸	۲۹۷۱۱۷٫۹	۵۴٫۸	۱۲۰۰۰۲۳	۵۵٫۶	۱۲۱۳۴۲۱	۶۰٫۳	۱۱۹۵۶۸۴	۶۰٫۶	۱۲۲۴۵۴۰	۶۰٫۳
تولید ناخالص داخلی	۱۹۴۲۹۹۰		۲۰۶۸۹۱۲		۲۱۵۷۹۳۴		۲۰۱۱۵۵۴		۱۹۷۲۸۵۲		۲۰۳۱۵۹۶	

منبع: سری زمانی های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

در درآمدها و دریافتی های دولت در سه دهه اخیر درآمدهای حاصل از صادرات نفت نقش ویژه داشته است. اگر چه در سال های اخیر یکی از اهداف دولت کاهش وابستگی به درآمدهای نفت و گاز بوده اما به رغم کاهش این وابستگی هم چنان سهم قابل توجهی از درآمدهای دولت از محل صادرات نفت و گاز حاصل می شود. به طور کلی عرضه ارز در کشور به میزان صادرات نفت و گاز، صادرات غیرنفتی، صادرات خدمات و ورود سرمایه بستگی دارد. عرضه ارز در کشور به طور عمده از محل صادرات نفت خام حاصل شده به طوری که کم و بیش با منفی بودن صادرات خدمات و پایین بودن میزان صادرات غیرنفتی در مقایسه با صادرات نفتی متغیر تعیین کننده عرضه ارز در کشور صادرات نفت و گاز بوده است. در مجموع صادرات نفت و گاز بیش از 80 درصد عرضه ارز کشور را به خود اختصاص داده است.

جدول پنج: ترکیب صادرات نفتی و غیرنفتی ایران

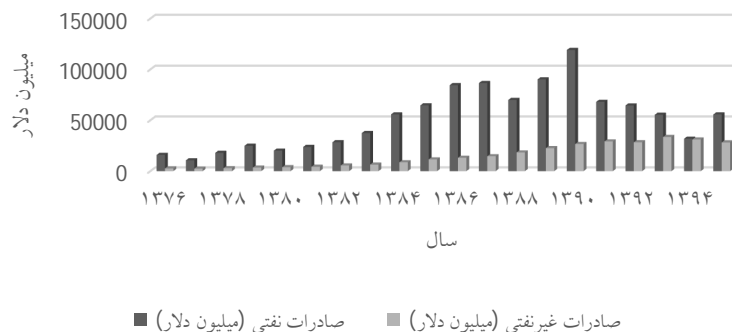
سال	صادرات کل (میلیون دلار)	صادرات نفتی (میلیون دلار)	صادرات غیرنفتی (میلیون دلار)	درصد صادرات نفتی از کل صادرات	درصد صادرات غیرنفتی از کل صادرات
1376	3.18602	9.15931	4.2670	86	14
1377	2.13104	2.10659	2445	81	19
1378	3.20882	9.17976	4.2905	86	14
1379	6.28474	2.24955	4.3519	88	12
1380	5.23988	6.20152	9.3835	84	16
1381	6.28109	9.23784	7.4324	85	15
1382	7.33991	28407	7.5584	84	16
1383	6.43834	2.37448	4.6386	85	15

137

14	86	1.8734	7.55790	8.64524	1384
15	85	11525	3.64665	2.76190	1385
13	87	1.13162	2.84505	2.97667	1386
14	86	14670	9.86618	8.101288	1387
21	79	18369	1.69957	1.88326	1388
20	80	5.22596	2.90191	7.112787	1389
18	82	8.26657	8.119147	5.145805	1390
30	70	3.29213	9.68082	2.97296	1391
31	69	5.28369	3.64540	8.92909	1392
38	62	2.33569	5.55406	7.88975	1393
49	51	31147	4.31848	4.62995	1394
34	66	4.28226	55752	4.83978	1395

منبع: سری زمانی‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
همان‌طور که در نمودار زیر مشاهده می‌کنید، در طی سال‌های 1376-1395 بیشترین میزان درآمد حاصل از صادرات نفتی مربوط به سال 90 است. پس از این سال و با اعمال تحریم‌های نفتی علیه کشورمان میزان درآمد نفتی حاصل از صادرات کاهش توجیه‌پذیری داشته است اما روند درآمدهای مربوط به صادرات غیرنفتی طی سال‌های پیش‌گفته با رشد ملایمی روبه‌رو بوده است.

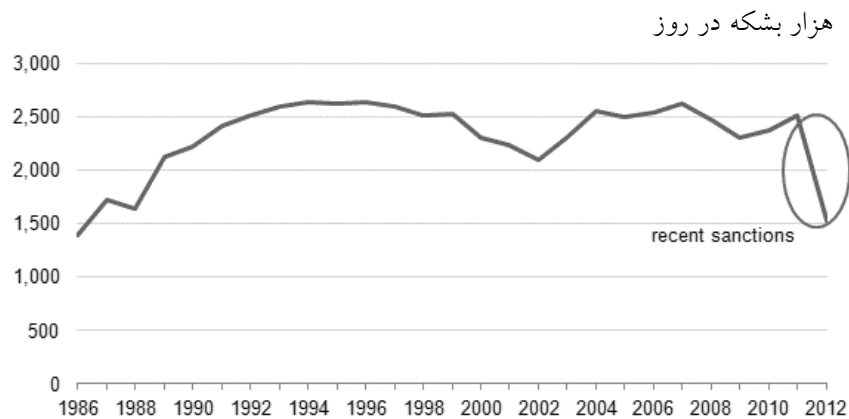
نمودار 2: صادرات نفتی و غیرنفتی ایران



Source: oil & gas journal, December 2017.

با توجه به چالش هسته‌ای کشورمان در سال‌های اخیر، غرب فشار فراوانی برای محدودکردن صادرات نفت ایران و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی کشورمان کرده است. اثر منفی تحریم‌های نفتی بر صنعت نفت ایران به‌طور کامل مشهود است. با تحریم بخش نفت و گاز ایران در سال 2012م از سوی ایالات متحده و اتحادیه اروپا صادرات نفت خام ایران به پایین‌ترین حد خود در طی سال‌های 1986م به بعد رسید (به نمودار چهار توجه کنید). درآمد خالص حاصل از صادرات نفت ایران در سال 2012م حدود 69 میلیارد دلار تخمین زده شده است؛ در حالی که در سال 2011م درآمد نفتی ایران 95 میلیارد دلار بوده است. صادرات نفت حدود 80 درصد درآمدهای صادراتی و 60-50 درصد بودجه دولتی را تشکیل می‌دهد. افزون بر این همان‌طور که اشاره شد تحریم‌ها باعث کاهش سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران شد چرا که بسیاری از پروژه‌های سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران تعطیل شد. با اجرای تحریم‌ها در اواخر سال 2011م و اواسط سال 2012م تولید نفت خام ایران به شدت کاهش پیدا کرد.

نمودار سه: صادرات نفت خام و میعانات ایران (2012م-1986م)



Source: U.S. Energy Information Administration, Country Analysis Brief: Iran,

April 9, 2018.

اثرگذاری تحریم صادرات نفت بر رشد و تورم

در پی توقف خرید نفت ایران به وسیله کشورهای دیگر براساس تحریم‌های اخیر درآمد نفتی ایران به صورت قابل توجهی کاهش یافته است؛ البته تحریم‌های نظام بانکی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز سبب شده است که چالش پیش گفته تشدید شود چرا که بر اثر این تحریم‌ها وصول درآمدهای ارزی نیز با دشواری روبه‌رو می‌شود. کاهش درآمدهای ارزی به علت تحریم‌هایی که انجام شده است، حوزه‌های اقتصاد کلان مانند: تورم، ارز، بیکاری، بودجه، تجارت و ظرفیت سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار خواهد داد که تأثیر متقابل این متغیرها بر یکدیگر محیط اقتصاد کلان را بی‌ثبات خواهد کرد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، 1391، ص 44). در ادامه به بررسی برخی از راه‌های ممکن اثرگذاری تحریم‌ها بر متغیرهای کلان اقتصادی کشور را بیان می‌کنیم:

1. با توجه به افزایش نرخ ارز در پی کاهش درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت، هزینه‌های تولید افزایش یافته؛ در نتیجه مقدار درآمدهای مالیاتی دولت کاهش می‌یابد که این به نوبه خود به کسری بودجه می‌انجامد.
2. به موازات کاهش درآمدهای ارزی واردات کالاهای واسطه‌ای کاهش خواهد یافت و در پی آن توان تولیدی بخش‌های اقتصادی افت کرده و مقدار مالیات گرفته شده از بخش‌های تولیدی کاهش می‌یابد؛ در نتیجه این دو امر، هم تولید ناخالص داخلی و هم درآمدهای دولت از محل مالیات‌ها کاهش می‌یابد.
3. بسته به این‌که دولت کسری بودجه خود را از چه محلی تأمین کند تورم، بیکاری و دیگر متغیرهای اقتصادی نیز در پی آن می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد.
4. در پی کاهش درآمدهای ارزی ذخایر ارزی کشور نیز کاهش یافت که به موازات آن نرخ ارز در بازار غیررسمی افزایش می‌یابد.
5. افزایش نرخ ارز خود باعث تورم خواهد شد؛ زیرا با توجه به ساختار تولیدی وابسته به واردات کشور هزینه‌های تولیدکننده افزایش یافته و باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و خلق تورم خواهد شد.

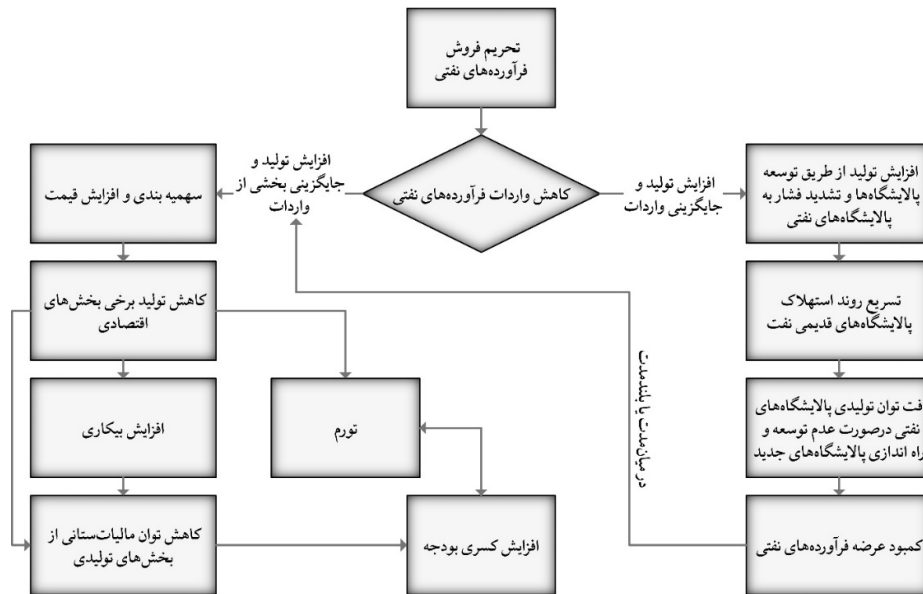
6. هم‌چنین افزایش نرخ ارز، باعث افزایش جذابیت بازار ارز خواهد شد و همین موضوع به هدایت نقدینگی سرگردان و دیگر منابع مالی از بخش‌های مولد به این بازار می‌انجامد. این امر به افت توان تولیدی کشور و افزایش بیکاری خواهد انجامید. افت توان تولیدی نیز به نوبه خود به تورم دامن خواهد زد.

7. از سوی دیگر کاهش درآمدهای ارزی سبب خواهد شد که تأمین نیازهای ارزی واردات با محدودیت‌های جدی روبه‌رو خواهد شد. اگر کاهش درآمد ارزی به کاهش واردات کالاهای مصرفی بینجامد، در پی آن قیمت کالاهای مصرفی افزایش خواهد یافت و تورم پدید خواهد شد؛ البته امکان این وجود دارد که در صورت کاهش واردات، مصرف کالاهای داخلی افزایش یابد اما در شرایط تحریم‌ها با توجه به افزایش هزینه‌های تولید ناشی از افزایش نرخ ارز این امر قابل توجه نخواهد بود. اگر واردات کالاهای واسطه‌ای کاهش یابد، توان تولیدی بخش‌های گوناگون اقتصادی و عرضه کالا کاهش می‌یابد؛ در نتیجه قیمت کالاها افزایش خواهد یافت. اگر محدودیت واردات مربوط به کالاهای سرمایه‌ای باشد، با وقفه باعث کاهش توان تولیدی بخش‌های اقتصادی خواهد شد. که در پی آن بیکاری و تورم افزایش می‌یابد. در نمودار زیر سازوکار اثرگذاری کاهش درآمدهای نفتی بر متغیرهای کلان اقتصادی نشان داده شده است.

در اثر کمبود درآمدهای نفتی ذخایر ارزی کشور به‌شدت تقلیل می‌یابد. اگر در میان‌مدت تدابیری برای جبران این کاهش از راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش صادرات غیرنفتی نشود، بانک مرکزی با کمبود شدید نرخ ارز روبه‌رو می‌شود. این کمبود عرضه در بازار ارز بدون شک افزایش قیمت ارز را در پی خواهد داشت؛ در نتیجه هزینه واردات چه در کالاهای مصرفی چه در کالاهای واسطه‌ای افزایش می‌یابد؛ پس به تورم می‌انجامد. از سوی دیگر مخارج دولتی نیز به‌علت کمبود درآمدهای نفتی کاهش یافته و این باعث کاهش تولید ناخالص داخلی می‌شود. این به آن معناست که اقتصاد دچار رکود تورمی می‌شود.

مصرف می‌شود. فزونی تقاضای فرآورده‌های نفتی بر عرضه که زمینه‌ساز استفاده از نظام سهمیه‌بندی شده است، می‌تواند کاهش تولید اقتصادی در بخش صنعت و کشاورزی را در پی داشته باشد. همین امر باعث افزایش بیکاری و کاهش تولید خواهد شد و به موازات آن قیمت کالاها و خدمات افزایش می‌یابد. کاهش توان تولیدی و افزایش ظرفیت بیکار نیز به معنای کاهش درآمد مالیاتی دولت است که در پی آن کسری بودجه را به همراه خواهد داشت. فرایند اثرگذاری تحریم فروش فرآورده‌های نفتی در زیر آورده شده است.

شکل چهار: اثرگذاری تحریم صنایع بالادستی و پایین‌دستی نفت بر اقتصاد کشور



منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، 1391.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

عامل اساسی آسیب‌پذیری اقتصاد کشور ما چگونگی هزینه‌کرد درآمدهای حاصل از نفت است. به همین علت است که با شناسایی دقیق این گلوگاه‌ها می‌توان در جهت اصلاح ساختار اقتصادی کشور حرکت کرد. به‌علت وابستگی بسیار اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی اثرهای کوتاه‌مدت تحریم‌های شدید نفتی، شوک‌های شدیدی به متغیرهایی مانند رشد تولید ناخالص داخلی و شاخص قیمتی مصرف‌کننده وارد می‌کند. وابستگی حجم قابل‌توجهی از بودجه و

تولید ناخالص داخلی کشور به درآمدهای نفتی در تعارض با مؤلفه‌های یک اقتصاد مقاوم قرار دارد. در همین جهت بند سیزده سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی راهکارهایی مانند: انتخاب مشتریان راهبردی، پدیدساختن تنوع در روش‌های فروش، مشارکت‌دادن بخش خصوصی در فروش، افزایش صادرات گاز، افزایش صادرات برق، افزایش صادرات پتروشیمی، افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی پیشنهاد می‌دهد.

از معمول‌ترین نتیجه‌های تکیه به درآمدهای ارزی حاصل از نفت، نوسان‌های ارزی است. اثرهای دومینویی تکانه‌های ارزی در اقتصاد ملی در شکل‌های سه و چهار نشان می‌دهد که نرخ ارز نقش کلیدی در اثرگذاری تحریم‌های نفتی علیه ایران ایفا می‌کند. شناسایی راه اثرگذاری تحریم‌های حوزه نفت و گاز بر اقتصاد کشور و تعیین متغیرهای اثرگذار می‌تواند ما را در رویارویی با تکانه‌های پیش‌گفته یاری کند. به‌طور کلی نشان داده شد که به لحاظ نظری تحریم‌های نفتی می‌تواند از راه کانال نرخ ارز محیط اقتصاد کلان کشور را با چالش‌هایی روبه‌رو کند. مهم‌ترین متغیرهایی که در این فرایند تحت تأثیر قرار می‌گیرند عبارت هستند از: رشد تولید ناخالص داخلی، تورم، مخارج دولتی و واردات است؛ البته باید توجه داشت که شوک وارده بر یک متغیر می‌تواند متغیرهای دیگر را نیز تحت تأثیر قرار دهد. درباره متغیر تولید ناخالص داخلی نوسانات ارزی حاصل از تحریم‌ها می‌تواند به‌علت محدودیت در واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، افزایش نااطمینانی و کاهش اعتبارات عمرانی باعث کاهش رشد تولید ناخالص داخلی شود. افزایش کسری بودجه دولت و افزایش هزینه‌های تولید نیز در اثر نوسانات ارزی حاصل از تحریم‌ها بر تورم اثرگذار هستند. با توجه به کاهش ذخایر ارزی واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای نیز به‌شدت کاهش می‌یابد که این به نوبه خود بر تولید و تورم اثرگذار است. سرانجام مخارج دولتی نیز به‌علت کمبود درآمدهای نفتی و هم‌چنین کاهش توان مالیات ستانی دولت از بخش‌های تولیدی به‌شدت کاهش می‌یابد که این امر نیز به نوبه خود باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

بنابراین می‌توان وابستگی ساختاری اقتصاد ایران به نفت را از دو راه شناسایی کرد: راه اول به وابستگی شدید بودجه دولت به درآمدهای نفتی و راه دوم به وابستگی شدید تجارت خارجی و تراز تجاری کشور به درآمدهای نفتی مربوط می‌شود. باید توجه کرد که درآمدهای نفتی به‌طور مستقیم بر عملکرد اقتصاد کشور اثر نمی‌گذارد بلکه بیشتر از راه سیاست پولی،

مالی و ارزی اثرهای خود را بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم و بیکاری بر جای می‌گذارد.

با توجه به تحلیل کیفی صورت‌گرفته، کشور ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه و یک صادرکننده نفت خام تحت تأثیر شوک‌های درآمد ارزی حاصل از نفت قرار می‌گیرد. ما دریافتیم که شوک‌های ارزی حاصل از درآمدهای نفتی پاشنه آشیل اقتصاد ایران شمرده می‌شود. درآمدهای نفتی هم به مثابه یک فرصت بزرگ و هم به مثابه تهدیدی بزرگ برای کشور شمرده می‌شود. طراحی بهترین ساختار برای بهره‌برداری و چگونگی هزینه‌کرد درآمدهای ارزی حاصل از نفت برای سیاست‌گذاران کشورمان بسیار ضروری است.

منابع و مأخذ

1. طغیانی، مهدی و مرتضی؛ «تحلیل عوامل تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راه‌کارهای مقابله با آن»؛ فصلنامه راهبرد، ش 73، 1393.
2. کارل، تریلین؛ معمای فراوانی؛ رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی؛ ترجمه جعفر خیرخواهان؛ چ 2، تهران: نشر نی، 1390.
3. مصلی‌نژاد، عباس؛ «سیاست‌گذاری اقتصاد سیاسی نفت و تحریم‌های بین‌المللی ایران»؛ پژوهشنامه علوم سیاسی، ش 39، 1394.
4. ولی‌زاده، اکبر؛ «ره‌یافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌الملل»؛ فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش 41، 1390.
5. یآوری، کاظم و رضا محسنی؛ «آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی، مجلس و راهبرد»؛ ش 61، 1388.
6. Baldwin, David; **Economic Statecraft**; Princeton University Press NJ, 1985.
7. Carter, Barry E; "International Economic sanctions: Improving the Erin Day"; **Economic Sanctions Imposed by the United State against Specific countries, CRS Report for Congress**, 1992.

8. Caruso, R; "The impact of international economic sanctions on trade: an empirical analysis"; **Peace Economics, Peace Science and Public Policy**: 9: 2, Article 1, 2003.
9. Cortright, D. and Lopez, G.A; "Smart Sanctions: Targeting Economic Statecraft"; **Rowman & Littlefield Publishers Inc.**, 2002.
10. Doxey, Margaret P; **Economic sanctions and international enforcement**; 2nd Ed. New York: Oxford University Press, 1980.
11. Hufbauer, G.C., Schott, J., Elliott, K. and Oegg, B.; **Economic sanctions reconsidered**; Peterson Institute for International Economics, Washington, D.C., 2007.
12. Morgan, T.C., Bapat, N. and Krustev, V.; "The Threat and Imposition of Economic Sanctions, 1971-2000"; **Conflict Management and Peace Science**, 26 (1), 2009.
13. PAAIA Public Policy Center; **Iran Sanctions Report**; August 2012.
14. Sanctions against Iran: **A Guide to Targets, Terms, and Timetables**; Belfer Center for Science and International Affairs, June 2015.
15. Van Bergeijk, P.A.G., Okano-Heijmans, M. and Melissen, J.; **Economic diplomacy: economic and political perspectives**; Martinus Nijho Publishers, Leiden, The Netherlands, 2011.